حاجیه مهرماه خانم عصمت ‌ السلطنه دختر فرهاد میرزا

چندين سال پيش سفرنامة حج دختر فرهاد ميرزا را در اختيار فصلنامة «ميقات حج» قرار دادم که در شمارة 17 آن مجله منتشر گرديد. اين سفرنامه از آنجا که نوشتة يک زن فرهيختة قاجاري است، آن هم فرزند کسي مانند فرهاد ميرزا ، جالب و خواندني است.

در مقدمة سفرنامة حج دختر فرهاد ميرزا نوشته بودم که از وي خبري ندارم. اما اکنون يادداشتي از طرف آقاي غلامعلي ديانتي، توسط حاج آقاي قاضي عسکر به دستم رسيده که حاوي اطلاعاتي در بارة اين زن است. براي اين که زحمات ايشان منعکس شود و خوانندگان فصلنامه در جريان مطالبش قرار گيرند، آن را در اختيار آن مجله قرار مي ‌ دهم و در آخر از ايشان به خاطر زحمتي که متحمّل شده و دقتي که داشته ‌ اند، سپاسگزارم .

«رسول جعفريان»

\* \* \*

حاج فرهاد ميرزا معتمدالدوله، پسر پانزدهم عباس ميرزا، نايب السلطنه بودکه در تاريخ 25 ذي‌قعدة 1305 هـ .ق. در سن 72 سالگي در تهران از دنيا رفت و جنازه‌اش را در مقبرة خانوادگي‌اش، که در شهر کاظمين ساخته بود، دفن کردند. وي از رجال نامدار و فاضل و با سواد خاندان قاجار بود و تأليفات زيادي داشت؛ به ويژه سفرنامة مکه‌اش در سال 1292 معروف و مشهور است و به کوشش مجد طباطبايي به چاپ رسيده است.

همسر فرهاد ميرزا حاجيه «جهان آرا خانم» دختر شاهزاده محمد علي ميرزا دولتشاه (پسر بزرگ فتحعلي شاه) دختر عموي فرهاد ميرزا بوده که او را همراه خود به مکه هم برده است. وي در روز شنبه، دهم شوال 1301 ق. در سن 66 سالگي در تجريش تهران فوت کرد.

فرهاد ميرزا معتمد الدوله دو فرزند پسر و سه دختر به نام‌هاي عصمت الدوله، حرمت‌الدوله و شمس السلطنه داشت.

1. سلطان اويس ميرزا احتشام الدوله متولد 1255ق. پسر بزرگ او بود. وي داماد عموي خود سلطان مراد ميرزا حسام السلطنه بود و در سال 1310ق. پس از دو ماه ابتلا به بيماري يرقان درگذشت و جنازه‌اش را در کنار پدرش در کاظمين به خاک سپردند.

2. عبدالعلي ميرزا (احتشام الدولة ثاني و معتمد الدولة ثالث) فردي فاضل، با سواد، شاعر و تخلّص او «عبدي» بوده است.

دختر بزرگ فرهاد ميرزا معتمد الدوله «مهرماه خانم» عصمت السلطنه نام داشت.

«محمد شاه، در آخر عمر، نسبت به فرهاد ميرزا کمال محبّت را داشت و براي آن‌که تقويتي از عباس ميرزاي نايب السلطنه ملک آراء نمايد و حامي بعد از خود براي او تهيه کند، شاهزاده «مهرماه خانم» عصمت السلطنه دختر بزرگ فرهاد ميرزا را نامزد پسر خود عباس ميرزا کرد که نظر به وقوع فوت محمد شاه

(6 شوال 1264ق.) و رسيدن «ناصر الدين شاه» به سلطنت و مغضوب شدن عباس ميرزا و تبعيد او به عتبات عاليات، اين فکر جامة عمل نپوشيد.» 1

عصمت السلطنه در مدت عمرش سه شوهر کرد؛ شوهر نخست او ميرزا محمد قوام الدولة آشتياني، شوهر دومش ميرزا موسي وزير لشکر پسر ميرزا هادي آشتياني و شوهر سومش ميرزا عبدالوهاب خان شيرازي بود. نامبرده از شوهر اول و دوم فرزنداني داشت ليکن از آصف الدوله فرزندي نياورد.

شرح حال مختصر شوهران عصمت السلطنه:

1. ميرزا محمد مستوفي، قوام الدوله، پسر ميرزا محمد تقي قوام الدولة آشتياني، زماني از مستوفيان درجة يک و از رجال سرشناس ايران بود. در سال 1265ق. وزارت و پيشکاري حمزه ميرزا حشمت الدوله در آذربايجان را عهده دار شد و در سال 1268ق. ميرزا محمد ملقّب به قوام الدوله گرديد و در سال 1272ق. پيشکار فريدون ميرزا پسر پنجم عباس ميرزا در خراسان شد. وزارت قوام‌الدوله تا حدود سال 1276ق. يعني تاريخ شکست افتضاح آميز مرو به طول انجاميد؛ يعني در سال 1275 ق. حمزه ميرزا حشمت الدوله به استانداري خراسان منصوب شد و تخمین زده‌اند حدود شصت هزار نفر از پياده و سوار به فرماندهي حشمت الدوله براي جنگ با ترکمن‌ها و دفع آنان از راه سرخس به طرف مرو حرکت کردند و حشمت الدوله فرمانده کلّ قوا به بهانة اين‌که من در عقب اردو براي تهية مهمّات و تجهيزات و فرستادن نفرات کمکي مي‌مانم، ميرزا محمد قوام الدوله را براي فرماندهي لشکر فرستاد، آقا ميرزا محمد مستوفي هم پذيرفت و رفت و اين فرد ..... بي اطلاع از اصول نظامي، سبب شد قواي ايراني به سختي شکست خورد و حدود سي هزار نفر به کلّي تلف شدند و پس از شکست و رسوايي مرو، تقريباً تمام کاسه و کوزه‌ها به سر قوام الدوله شکست و او را با يک وضع بسيار فجيع و مفتضحانه به تهران وارد کردند و اين کار هم بيشتر براي اين بود که ناصرالدين شاه مي خواست جواهرات و نقدينه‌اي که خود و پدرش در مأموريت‌ها به دست آورده بودند، از او بگيرد.

قوام الدوله پس از دو سال که با خفت وشرمساري زياد بي‌کار و خانه نشين بود، به وسيلة تقديم پيش کشي و وساطت ميرزايوسف مستوفي الممالک در نزد شاه، در سال 1278ق. وارد کار شد و معاونت حکومت اصفهان را تا سال 1280ق. در دست داشت و در سال‌هاي 1281 و 1282ق. به پيشکاري حکومت فارس منصوب شد و بعد به تهران احضار گرديد و در سال 1283ق. به سمت وزارت گمرکات انتخاب شد. قوام الدوله در محرم سال 1290 به مرض محرقه در تهران درگذشت. 2

ظاهراً قبر قوام الدوله در قم است؛ زيرا عصمت السلطنه در راه بازگشت از سفر مکه، وقتي وارد قم شده، نوشته است: «عصر چهارشنبه، سوم شهر رجب المرجب 1298ق. به حرم مشرف گشته، بعد از زيارت، سر مقبرة مرحوم قوام الدوله رفته، آنجا نشسته مشغول تلاوت قرآن و گريه بودم، صبح پنج‌شنبه چهارم شهر رجب المرجب (1298 ق.) مجدداً به حرم مشرف شده، سر مقبرة مرحوم قوام الدوله رفته، مراجعت کردم.» 3

2. ميرزا موسي وزير لشکر پسر ميرزا هادي آشتياني بوده و در سال 1290ق. که ميرزا محمد قوام الدوله آشتياني وزير محاسبات به مرض محرقه درگذشت، ميرزا هدايت آشتياني (پدر دکتر مصدق) که در سال 1298ق. وزير لشکر شده بود، به جاي وي با لقب وزير دفتر رييس دفتر استيفا (وزير دارايي) شد و وزارت لشکر به ميرزا موسي آشتياني، که با قوام الدوله و ميرزا هدايت نبيره عمو بود، رسيد. در سال 1298ق. که به وزارت لشکر منصوب شد، ابتدا عنوانش رييس دفتر لشکر بود و بعد در سال 1291ق. عنوانش وزير لشکر شد (رييس دارايي ارتش) ميرزا موسي وزير لشکر در جمادي الثانيه 1298ق. در گذشت.4

عصمت السلطنه در زمان حيات ميرزا موسي وزير لشکر، در روز سه شنبه 24 رمضان 1297ق. (مطابق 9 شهريورماه)، سفر مکة خود را از تهران آغاز کرد و در روز سه شنبه، 9رجب 1298ق. از سفر مکه مراجعت کرد و وارد تهران شد و سفر او نزديک به ده ماه طول کشيد و 36 روز بعد از مرگ وزير لشکر که شوهر دومش بود، به منزل رسيد.

حاجيه عصمت السلطنه در مراجعت از مکه، از راه دريا از جده با کشتي وارد بندر بوشهر شد و از راه زميني، در روز سه شنبه 22 ربيع الاول 1298ق. وارد شهر شيراز شد. وي در خاطراتش نوشته است:

«زمان توقف در شيراز از روز ورود تا زمان حرکت، دو ماه و يازده روز طول کشيد. در اين مدت بسيار سخت گذشت، خاصه چند روز بعد از عيد نوروز (يکشنبه 19 ربيع الثاني 1298 ق.) که خبر ناخوش جناب وزير لشکر رسيد. در ماه جمادي الأولي هر چه بگويم بدگذشت. بحمدالله خداوند تفضّل فرموده، در روز سه شنبه، غرّة جمادي الثانيه (1298ق.) ، جواب تلگراف ميرزا سيد رضي حکيم باشي رسيد که بحمدالله تعالي تب قطع شده است. قدري آسودگي حاصل شده است.» 5

«پنج شنبه، چهارم شهر رجب المرجب (1298 ق.) عصر هم به حرم (در قم) مشرف گشته، تلگراف احوال پرسي به طهران کرده بودم، جواب رسيده، معلوم شد که دوباره به جناب وزير لشکر کسالت پيدا شده است. پناه بر خدا بجز ملتجي شدن به ائمة اطهار علیهم السلام راه نجاتي ندارم.

نمي‌دانم چه گذشت. طرف عصر بحمدالله تلگراف رسيد که قدري بهترم. خداوند ـ ان شاءالله ـ از در خانه اش مرا باز نگرداند. خيال داشتند روز يکشنبه (7 رجب 1298 ق.) از قم حرکت بفرمايند. چون خبر ناخوش جناب وزير لشکر دوباره رسيد، صبح شنبه ششم رجب المرجب، به حرم مشرف گشته، مرخصي حاصل کرده، از قم بيرون آمديم.» 6

زماني که حاجيه عصمت السلطنه در شيراز متوقف بود، خبر ناخوشي وزير لشکر را در جمادي الأول 1298ق. به اطلاع او رساندند ولي وزير لشکر روز دوشنبه سوم جمادي الثاني 1298ق. در تهران فوت کرد و عصمت السلطنه روز بعد از شيراز به سمت تهران حرکت کرد ولي خبر ناگوار فوت شوهرش را به او ندادند و کماکان بهبودي جزئي وزير لشکر را به او تلگراف مي‌کردند.

ظاهراً يکي از خواهران عصمت السلطنه قبل از خودش به مکه رفته بود و نام دو فرزند پسر خود را در موقع مشايعت کردن او براي رفتن به مکه، چنين نوشته است:

«همشيرة مکرمه، حاجيه شاهزاده و بعضي از همراهان ايشان تا غروب (در امام زاده حسن تهران) مانده مراجعت به شهر نمودند... فرزندان ميرزا تقي و ميرزا مصطفي و بعضي ديگر مانده‌اند که بعد از حرکت کردن ما معاودت به شهر نمايند.» 7

«عصمت السلطنه از ميرزا موسي وزير لشکر داراي چهار پسر شد به نام‌هاي: منتصر الملک، مشير اکرم، وثوق السلطنه و قوام السلطنه.

آقايان محمود فرهاد معتمد، نويسندة کتاب «سپهسالار اعظم» و احمد فرهاد معتمد رييس پيشين دانشگاه تهران و جلال السلطنه پسران مشير اکرم بوده‌اند. پسران ديگر او از وثوق السلطنه (مهدي دادور) و سرتيپ دادور از (قوام السلطان) بوده‌اند.»8

3. ميرزا عبدالوهاب خان شيرازي (نايب الوزاره، نصيرالدوله، آصف الدوله) پسر محمد جعفر خان در سال 1242 هـ .ق. در شيراز متولد شد. وي از رجال فاضل و با سواد بوده و استعداد و حافظة قوي داشت و شعر هم مي‌سرود و تخلّصش «يزداني» بود. در سال 1266ق. همراه عمويش به تهران آمد و معلومات خود را تکميل نمود. میرزا عبدالوهاب خان شوهر سوم حاجيه عصمت السلطنه شد. وي در روز دوشنبه 6 جمادي الأ ولي 1304 هـ .ق. در تهران درگذشت. 9

مهدي بامداد در پاورقي (ج 2، ص 314) اسم کوچک عصمت السلطنه را «هما» نوشته و در مورد اسم شوهران عصمت السلطنه اشتباه کرده است.

تحرير سفر مکه عصمت السلطنه توسط کاتب در ربيع الثاني 1299ق. پايان يافته و عصمت السلطنه «متعلّقة جناب جلالتمآب، اجلّ اکرم، نصيرالدوله مدّ ظله العالي» معرفي شده است و معلوم مي‌شود که نامبرده در ظرف کمتر از 8 ماه بعد از مرگ وزير لشکر با ميرزا عبدالوهاب خان نصيرالدوله ازدواج کرد.

ولي با توجه به تاريخ فوت نصيرالدوله، عصمت السلطنه حدود چهار سال با او زندگي کرد و براي سومين بار بيوه شد و از سرانجام عصمت السلطنه اطلاعاتي در دست نيست.

پی ‌ نوشت ‌ ها:

1. شرح حال فرهادميرزا، ص 208

2. نقل به اختصار از رجال بامداد، ج 3

3. فصلنامه ميقات حج، ش 17، صص 114 و 115

4. نقل از رجال بامداد، ج4، ص163

5. فصلنامة «ميقات حج»، ش 17، ص 106

6. فصلنامة «ميقات حج»، ش 17، ص 115

7. فصلنامة «ميقات حج»، ش 17، ص 59

8. شرح حال فرهاد ميرزا، ص 166

9. شرح مفصل او در رجال بامداد، ج2، ص 301 درج شده است.